

آثار سیاست دولت بر توسعه اقتصادی ترکیه و ادغام آن در اقتصاد جهانی (۱۹۹۰-۲۰۱۷)

گارینه کشیشیان سیرکی *

سهیل سهیلی نجف‌آبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۱

۹۷

چکیده

توسعه اقتصادی یکی از اهداف دولت‌ها، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. توسعه اقتصادی به‌ویژه برای کشورهایی که دارای کمبود منابع طبیعی هستند، دشواری‌های زیادی دارد، چرا که آن‌ها نیازمند آن‌اند که از دیگر ظرفیت‌های خود استفاده کنند. جمهوری ترکیه که در سال ۱۹۲۴ استقلال یافته، از جمله این کشورها است و در راهبرد اصلی خود که توسط بنیان‌گذار آن، آتاتورک، تدوین شده، در پی دستیابی به مدرنیته و توسعه اقتصادی بوده است. ترکیه با وضعیتی راهبردی، دو قاره آسیا و اروپا را به یکدیگر متصل کرده و راه ترانزیت اصلی این دو قاره به شمار می‌رود، وضعیتی که به آن جایگاه ویژه‌ای در منطقه خاورمیانه می‌دهد. اما با وجود این ظرفیت، این کشور تا دهه ۱۹۹۰، به علت کودتاهای متعدد ارتش، دارای ثبات سیاسی که پیش شرط توسعه اقتصادی می‌باشد، نبود. اما از این دهه به بعد، با پیدایش ثبات سیاسی و در چارچوب مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی، توانست در راه توسعه اقتصادی، پیشرفت کند. حال پرسش اینجاست که جمهوری ترکیه سیاست‌گذاری‌های مالی و اقتصادی جمهوری ترکیه چه بوده و چه اثری بر روند توسعه اقتصادی این کشور و ادغام آن در اقتصاد جهانی داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، روش انجام مقاله، علی‌است و نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که ترکیه با انجام اصلاحات ساختاری در نهادهای اقتصادی خود و نیز همگرایی با نظام بین‌الملل و نهادهای اقتصادی بین‌المللی، چنانکه شاخص‌های اصلی اقتصادی این کشور نشان می‌دهد، در روند توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی، موفق بوده است.

واژگان کلیدی: ترکیه، اصلاحات ساختاری، نهادگرایی نئولیبرال، توسعه اقتصادی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

* نویسنده مسئول: G_keshishyan@azad.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری و عضو هیأت علمی گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی قشم

مقدمه

جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۴ از درون امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول، فروپاشیده بود، توسط مصطفی کمال پاشا (آتاتورک)، بنیاد گذارده شد. آتاتورک، در رویای غربی شدن ترکیه بود تا بتواند آن را وارد دنیای مدرن کند. بر این اساس، نهادهای تازه‌ای بر پایه دو اصل سکولاریسم و جمهوریت، تأسیس کرد و بسیاری از سنت‌های مذهبی را که در کار حکومت عثمانی دخالت می‌کردند، برانداخت. آتاتورک، ارتش را به‌عنوان میراث اصلی خود بر جای گذاشت تا در غیاب وی، از دو اصل سکولاریسم و جمهوری، نگاهداری کند. ارتش نیز خصلت دخالت دیکتاتورمآبانه وی در امور را به ارث برد و بنابراین، تلاش نمود تا همچون آتاتورک، دموکراسی ارشادی را در ترکیه پرورش دهد. به این ترتیب ترکیه از ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۷ شاهد کودتاهای نظامی متعددی علیه چهار دولت بوده است که برای بازگشت ثبات سیاسی انجام شده بودند، اما در عمل به بی‌ثباتی سیاسی دامن زدند.

این کودتاها در عمل نتوانستند به وضعیت این کشور سامان دهند و نه تنها موجب توسعه اقتصادی نشدند، که موجب گشتند تا اقتصاد ترکیه ضعیف شود و واحد پولی آن به یکی از کم ارزش‌ترین ارزهای جهانی تبدیل شود. البته در این میان، دوره کوتاه تورگوت اوزال نیز در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰ وجود داشت که نشان داد اصلاحات ساختاری اقتصادی نهادی می‌تواند موجب توسعه اقتصادی ترکیه شود. با این حال بی‌ثباتی سیاسی بار دیگر موجب شد تا این روند تداوم نیابد. اما از سال ۲۰۰۱، ترکیه بار دیگر دست به اصلاحات ساختاری نهادی زد و با استفاده از ثبات سیاسی برآمده از انتخابات ۲۰۰۲ و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، این کشور توانست در راه توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی گام بردارد.

از این رو پرسش اصلی این مقاله آن است که سیاست‌گذاری‌های جمهوری ترکیه جهت دست یافتن به توسعه اقتصادی چه بوده و چه آثاری را در بر داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله بیان می‌دارد که «جمهوری ترکیه برای توسعه اقتصادی بر اساس تجربه موفق اصلاحات ساختاری اوزال، بر اساس نهادگرایی نئولیبرال در دو بعد اصلاحات ساختاری و ثبات سیاسی در عرصه داخلی و همگرایی با نظام بین‌الملل و

سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی در عرصه خارجی سیاستگذاری کرده که اثر آن بهبود چشمگیر شاخص‌های اصلی اقتصادی این کشور بوده است.» روش تحقیق مقاله نیز، روش علی است و هدف آن بررسی سیاست‌گذاری‌های ترکیه در جهت توسعه اقتصادی برای بهره‌گیری از آن‌ها در ایران می‌باشد. سازمان مقاله نیز چنین است که پس از مقدمه، مبانی نظری آمده است، سپس به تاریخچه کوتاهی اشاره شده، آن‌گاه فرضیه مذکور در چند بخش مورد آزمون قرار گرفته و در نهایت از کلیه مباحث نتیجه‌گیری شده است.

۲. مبانی نظری

در تعریف، «توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و یا انسانی‌تر است و باید سه هدف عمده را پیگیری و محقق نماید که عبارت‌اند از: تأمین نیازهای اساسی، اعتماد به نفس، آزادی و توانایی انتخاب داشتن» (شیرزادی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳). به علاوه، توسعه اقتصادی نیز در تعریف، عبارت است «از افزایش تولید همراه با بهبود کیفی روش‌ها و وسایل تولید و رفع اختلاف درآمدها و مالکیت و کنترل بر کلیه دارایی‌های تولیدی. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی، شامل ایجاد ترکیب جدیدی از عوامل تولید به نحوی است که موجب افزایش بهره‌وری کار گردد. ویژگی اساسی توسعه اقتصادی افزایش مستمر تعداد بخش‌هایی است که از پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های تولیدی استفاده می‌کنند» (کیلی و مافیلت، ۱۳۹۱: ۵).

اما، از لحاظ مکتب‌های نظری، سه مکتب نوسازی، وابستگی و جهانی به موضوع توسعه پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند الگوهایی برای توسعه کشورهای غیرصنعتی ایجاد نمایند تا آن‌ها بتوانند به توسعه اقتصادی دست یابند. اما از این میان به نظر می‌رسد، آن دسته از کشورهایی که مکتب نوسازی را در پیش گرفته‌اند، تجربه موفق‌تری از توسعه را به نمایش گذاشته‌اند. مکتب نوسازی در کل، بر مفاهیم سرمایه‌داری استوار گردیده است و به این لحاظ دارای محوریت بر پایه لیبرالیسم اقتصادی و پس از آن نولیبرالیسم اقتصادی می‌باشد. «اقتصاد لیبرالی نیز بر این مفهوم استوار است که اگر اقتصاد بازار به حال خود گذارده شود، به طور خودکار و برابر با سازوکارهای قوانین عرضه و تقاضا، به خوبی عمل خواهد کرد. مفاهیم اصلی این رهیافت بازار و آزادی تجارت است. به نظر

دیوید کورتن از دید لیبرال‌ها، توسعه اقتصادی به معنای گسترش بازار آزاد سرمایه‌داری در کلیه کشورهای جهان است (Korton, 1999: 795).

در حالی که لیبرالیسم کلاسیک فقط بر این مفاهیم اولیه برشمرده، تأکید می‌کند، نئولیبرالیسم اقتصادی که در دوره جهانی شدن به وجود آمده است و پویایی آن را مد نظر دارد، به طور گسترده‌ای بر درهای باز اقتصادی، گردش سرمایه، همکاری از طریق سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، شفاف‌سازی قوانین اقتصادی و تجارت هم، تأکید می‌کند و نتیجه آن سرازیر شدن سرمایه از محل‌های انباشت آن در جهان به سوی محل‌هایی است که در آن‌ها کمبود سرمایه وجود دارد که پیامد آن، توسعه است. در واقع این روند، بر اساس ادغام در اقتصاد جهانی و همگرایی با دیگر کشورها، در چارچوب همکاری در سازمان‌های بین‌المللی همچون سازمان تجارت جهانی، و اجرای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق جهانی پول که هر سه با هم اجماع واشینگتن را تشکیل می‌دهند، به وجود آمده است. نهادگرایی نئولیبرال، که تبیین‌کننده نظری این روند می‌باشد، «بر این اعتقاد است که همگرایی در سطوح منطقه‌ای و جهانی رو به افزایش است. همچنین بر اساس این رویکرد، دولت‌ها تمایل دارند تا همکاری خویش را با دیگران توسعه دهند، حتی اگر احساس کنند که دیگر دولت‌ها، از این تعامل و همکاری منافع بیشتری می‌برند» (قوام، ۱۳۸۷: ۳۵۳).

نهادگرایی نئولیبرال که برآمده از نظریه اقتصادی لیبرالیسم است، به عنوان یک نظریه اقتصادی و تا حدود زیادی به عنوان یک نظریه اقتصاد سیاسی، تلاش می‌کند که «نقش نهاد‌های بین‌المللی، به‌ویژه نهاد‌های اقتصادی بین‌المللی را در روابط میان دولت‌ها افزایش دهد. از آنجا که جهانی شدن، کشورها را در سراسر جهان به هم متصل کرده است، پس این نظریه می‌کوشد تا راه‌حل‌هایی برای رفع چالش‌های اقتصادی میان دولت‌ها پیدا کند. بنابراین، بر ایجاد وابستگی متقابل بین همه دولت‌ها در جهان، تأکید کرده و تلاش می‌کند نظارت‌کنندگانی برای حفظ عادلانه قوانین اقتصادی و مالی بین‌المللی پدید آورد که در واقع همان سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی هستند که دولت‌ها در آن‌ها عضویت دارند. سازمان‌هایی همچون ملل متحد با برنامه توسعه خود، صندوق بین‌المللی پول، تجارت جهانی، بانک جهانی و...» (Grieco and Ikenberry,

(116: 2003). همچنین این نظریه کاربردی از دولت‌ها می‌خواهد که نه تنها در سطح بین‌المللی و در روابط میان خود، وابستگی متقابل نهادی را افزایش دهند، بلکه در اقتصاد داخلی خود نیز دست به سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی برای انجام اصلاحاتی که این نظریه مد نظر دارد بپردازند تا نقش نهادی بازار آزاد را در کشورهای خود تقویت کرده و نهادهای مالی با استانداردهای جهانی پدید آورند، از جمله این‌که ساختار بانک مرکزی خود را جهت شفافیت بیشتر بر اساس قوانین اف.ای.تی.اف مربوط به گروه اقدام مشترک، اصلاح نمایند تا شفافیت اقتصادی و مالی پدید آورده و در نتیجه اعتماد داخلی و جهانی را به ساختار اقتصادی خود، افزایش دهند تا سرمایه‌گذاری مستقیم، به ویژه خارجی، افزایش یابد. در این راه، «سازمان‌های بین‌المللی نامبرده، نقش مشاوره‌ای را با ارائه اطلاعات و تحلیل داده‌های اقتصادی و مالی به‌دست آمده از درون کشورهای عضو، بر عهده دارند. نظریه نهادگرایی نئولیبرال، نهادها را به‌عنوان واسطی برای عقد توافقنامه میان دولت‌ها به‌کار می‌بندد تا عدم اطمینان و هزینه‌های تجارت میان آن‌ها را کاهش دهد و دست یافتن به راه حل جمعی و تعاملی را برای رفع مشکلات جهانی و نیز رفع چالش‌های روابط اقتصادی و مالی میان دولت‌ها افزایش دهد» (Grieco and Ikenberry, 2003: 116).

از این مبانی نظری در مقاله حاضر می‌توان برای فهم مفهوم توسعه اقتصادی که جمهوری ترکیه به‌عنوان یک کشور در حال توسعه در پی آن است بهره برد. همچنین می‌توان با استفاده از آنچه در مباحث مقاله خواهد آمد، درک کرد که ترکیه راه مکتب نوسازی را که بر آزادسازی اقتصادی و گسترش بخش خصوصی تأکید می‌ورزد برای توسعه اقتصادی خود انتخاب کرده است که در واقع راه حلی لیبرالی است و به علاوه بر اساس دیگر مباحث مقاله همچون اصلاحات نهادی در ترکیه، با وضوح بیشتری می‌توان این امر را ارزیابی کرد که ترکیه بر اساس مؤلفه‌های نظریه نهادگرایی نئولیبرال دست به سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی در راستای توسعه اقتصادی خود و ادغام در اقتصاد جهانی زده است.

۳. مروری بر اصلاحات سیاسی و آغاز اصلاحات اقتصادی در ترکیه

از منظر موقعیت جغرافیایی، «ترکیه با مساحت ۷۸۰۵۷۶ کیلومتر مربع، سی و پنجمین کشور جهان از نظر وسعت است. از آنجا که ترکیه در شمال با دریای سیاه، در جنوب با دریای مدیترانه، در غرب با دریای اژه و در شمال غربی با دریای مرمره، همجوار است» (انصاری، ۱۳۷۳: ۳۳) و به علاوه این کشور آسیا و اروپا را به یکدیگر متصل کرده و راه ترانزیت اصلی میان این دو قاره است، دارای موقعیت ژئوپلتیکی ویژه‌ای است.

در سال ۱۳۰۲ حوادث مهمی در کشور ترکیه رخ داد و به این ترتیب که «قیام ژنرال مصطفی کمال پاشا، باعث شد که سپس مجلس کبیر ترکیه که در آنکارا پایتخت جدید آن کشور تشکیل شده بود، ... در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳ (۷ آبان ۱۳۰۲) بساط خلافت را هم برچید و تأسیس جمهوری ترکیه را اعلام نمود» (مهدوی، ۱۳۶۹: ۳۸۰). آتاتورک در راه توسعه ترکیه از همان ابتدا توان خود را صرف «وحدت آموزش، اصلاح قوانین دادگستری و الغای وزارت شرعیات و اوقاف را مطرح ساخت و این اقدامات در حقیقت انقلابی بود که به‌طور کلی شکل جامعه را دگرگون ساخت» (اولوغ ایگدمیر و دیگران، ۱۳۴۸: ۱۳۷). به این ترتیب در کل وی هم خود را صرف «عملیات بزرگ مدرن‌سازی ترکیه» نمود و اصول شش‌گانه‌ای را مطرح کرد که عبارت بودند از: «جمهوری‌خواهی، عرفی‌گرایی، ملی‌گرایی، مردم‌گرایی، دولت‌سالاری و انقلابی‌گری» (اتابکی، ۱۳۸۷: ۶۷)، در واقع این‌ها اصولی بودند که زمینه‌ساز توسعه در ترکیه شدند.

آتاتورک در پی غربی کردن ترکیه بود و رهبران بعدی ترکیه نیز برای دهه‌های بعد برای دستیابی به توسعه با برگزیدن مدلی غربی توسعه بروکراتیک، دست به عمل زدند. این عمل، برای دهه‌ها بیش از همه، در عرصه اقتصادی مطرح بود و در عرصه سیاسی به طور محدود رعایت شد که آرام‌آرام به دموکراسی ختم شود. آن‌ها با این اقدامات طی دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰ این روند را طی کردند. بر این اساس است که دیده می‌شود هر بار ارتش ترکیه با یک کودتا تلاش می‌کرد تا جلوی فساد را بگیرد و پس از مدتی اجازه دهد، دولتی روی کار بیاید که بتواند به روند توسعه اقتصادی آن هم از نوع بروکراتیک ادامه دهد. این چرخه‌ای بوده است که تا روی کار آمدن تورگوت اوزال لیبرال به وفور

در ترکیه به چشم می‌خورد، کسی که سنگ بنای اصلاحات اساسی اقتصادی را در ترکیه بنیاد نهاد و با روی آوردن به اقتصاد نئولیبرال موجبات توسعه اقتصادی ترکیه را در دهه‌های بعد فراهم آورد. در واقع، کودتای ۱۹۸۰ در ترکیه، موجب شد تا دوباره ارتش بر اساس ماده دوم قانون اساسی ۱۹۶۱، در این کشور دست بالا را پیدا کند. این کودتا اما به سرعت به تغییراتی تبدیل شد که بر اساس آن تورگوت اوزال به‌عنوان یک تکنوکرات لیبرال بر سر کار آمد و به اصلاحات اقتصادی برای ادغام ترکیه در اقتصاد جهانی دست زد که نتایج پر سودی نیز برای این کشور در بر داشت و پس از یک دوره فطرت توسط دولت‌های بعدی پی گرفته شد.

۴. اثر سیاست‌گذاری نئولیبرال اقتصادی ترکیه بر توسعه اقتصادی و ادغام اقتصاد آن در اقتصاد جهانی

ترکیه برای اینکه بتواند به توسعه اقتصادی دست یابد و اقتصاد خود را در روند جهانی شدن، در اقتصادی جهانی ادغام کند، دست به سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی با رویکرد نئولیبرال زده است. بر این پایه در این بخش به بررسی سیاست‌گذاری‌های این کشور در این حوزه در دو بعد داخلی و خارجی پرداخته می‌شود.

۴-۱. سیاست‌گذاری‌های ترکیه جهت توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی در بعد داخلی

جمهوری ترکیه برای دست یافتن به توسعه اقتصادی و ادغام اقتصاد خود در اقتصاد جهانی، در حوزه داخلی سیاست‌گذاری‌های مالی و اقتصادی مهمی انجام داده است، که البته از ایجاد ثبات سیاسی در این کشور، جدا هم نیستند. بر این پایه در این بخش، به بعد داخلی این سیاست‌گذاری پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱. ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی

ترکیه با توجه به کودتاهایی متعددی که ارتش این کشور برای حفظ جمهوری انجام داده بود، دارای ثبات سیاسی لازم نبود. ارتش چندین بار از ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ علیه دولت‌های

منتخب کودتا کرد و آن‌ها را ساقط نمود و این امر را باید عاملی در جهت بی‌ثباتی سیاسی ترکیه و فرار سرمایه‌ها از این کشور دانست. به علاوه دولت‌های ائتلافی نیز نمی‌توانستند این ثبات را به‌وجود آورند. در حقیقت، دهه ۱۹۹۰ در ترکیه، دهه دولت‌های ائتلافی ناپایدار و تقویت اسلام‌گرایان در این دولت‌های ائتلافی بود. ترکیه در این دوره سیاست خارجی غیرمابراجویانه را همچون قبل دنبال می‌کرد و در داخل به دنبال توسعه‌ای بود که برای سال‌ها از آن دور مانده بود و تنها از ۱۹۸۶ به این سو برای مدتی کوتاه آن را تجربه کرده بود. در این دوره، دموکراسی زیر سایه ارتش برقرار و ثابت بود، اما ثبات سیاسی به دلیل اختلافات احزاب و سقوط دولت‌های ائتلافی پدید نمی‌آمد. در نهایت این وضعیت در سال ۲۰۰۲ با برگزاری انتخابات پارلمانی و اکثریت یافتن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، به ثبات رسید و این حزب برنامه دامن‌داری را برای ایجاد ثبات سیاسی در پرتو برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کمال درویش دنبال کرد و به این ترتیب برای مدت ۱۶ سال زمان امور را در دست گرفت که تا حال حاضر نیز ادامه یافته است.

۲-۱-۴. اصلاحات مالی و اقتصادی تورگوت اوزال

تورگوت اوزال که در سال ۱۹۷۱، به‌عنوان کارمند بانک جهانی، به استخدام این نهاد در آمریکا در آمده بود و پس از بازگشت به ترکیه به‌عنوان یک مدیر موفق بخش خصوصی شناخته می‌شد و مدتی نیز سمت وزیر اقتصاد را یافت، «در سال ۱۹۸۲، با حزب تازه تأسیس خود «حزب مام میهن»، توانست برنده انتخابات شده و با سمت نخست‌وزیری دولت را در دست گیرد» (قهرمان‌پور، ۱۳۸۴: ۲۱۸) برنامه‌هایی که اوزال در پی انجام آن‌ها بود، متأثر بود از برنامه‌های بانک جهانی که تبدیل به سیاست‌گذاری برای توسعه و نوسازی ترکیه گردید و طی دوره‌ای بیش از دو دهه پی گرفته شد که توسعه اقتصادی ترکیه را فراهم آورد. «اقداماتی که اوزال در دوران نخست‌وزیری خود و سپس در دوران ریاست جمهوری خود طبق برنامه‌های بانک جهانی در ترکیه انجام داد، زیرساخت‌های جامعه ترکیه را متحول کرد و تأثیرات عمیق و بلندمدتی بر جامعه و سیاست ترکیه داشت. این اقدامات در تحلیل نهایی، معطوف به تضعیف سلطه دولت بر اقتصاد و به

دنبال آن بر جامعه و سیاست بود. زیرا نظام اقتصادی بازار آزاد، به عنوان یک زیرسیستم نمی‌توانست با نظام سیاسی اقتدارگرا و دولت‌محور از یک سو و از سوی دیگر، با یک جامعه سنتی پدرسالار همزیستی داشته باشد» (قهرمان‌پور، ۱۳۷۹: ۳۴). دولت اوزال که در میانه راه، یعنی در سال ۱۹۸۶ با یک کودتا نیز روبه‌رو شد و سپس، دوباره به کار خود ادامه داد، «با تأثیرپذیری از جریان‌های مالی بین‌المللی و نهادهای اقتصادی جهانی، در تلاش برای تغییر دولت‌محوری در اقتصاد برآمد و به محل آزمون برنامه‌های مشترک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای پیشبرد برنامه‌های اصلاح ساختار اقتصادی به منظور خروج از بحران تراز پرداخت‌ها، تبدیل شد.

هدف از اجرای این برنامه نهادهای بین‌المللی اقتصادی، با ثبات کردن و آزادسازی اقتصاد بسته و درون‌نگر ترکیه و تبدیل آن به یک اقتصاد برون‌نگر و مدلی برای سایر کشورهای کمتر توسعه‌یافته بود. این برنامه مشترک بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در دوران دولت تورگوت اوزال اجرا شد، شامل این موارد بود: آزادسازی رژیم تجارت خارجی، حذف کنترل‌های اعمال شده بر ارزهای خارجی، اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی، آزادسازی نرخ بهره به منظور تشویق انباشت سرمایه خصوصی، و خصوصی‌سازی بخش‌های کارآفرین دولتی» (قهرمان‌پور، ۱۳۸۴: ۲۱۹). به این ترتیب و با اجرای این برنامه‌ها، در انتهای دهه ۱۹۸۰، ترکیه در حال اجرای سیاست‌های نهادگرایانه نئولیبرال‌ها بود و در این راه، اوزال به تأسیس نهادهای مالی مستقل از دولت، مبادرت ورزید تا به صورت نهادی، اصلاحات ساختاری را تداوم بخشند. اما پیامدهایی که اصلاحات اوزال در پی داشت را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد: «تضعیف سنت دولت‌سالاری، تضعیف کمالیسم، ظهور سرمایه سبز یا آناتولی، و تقویت بخش خصوصی» (قهرمان‌پور، ۱۳۸۴: ۲۲۵).

این عوامل در مجموع، اگرچه رشد اقتصادی ترکیه را برای چند سال دربرداشت، اما مخالفت‌هایی را نیز برانگیخت و در نهایت در سال ۱۹۹۱، موجب روی کار آمدن دولت ائتلافی از احزاب «راه راست» و «چپ خلق» شد، «در حالی که اولی حزبی متمایل به راست میانه بود، دومی گرایش‌های چپ داشت و این امر روند، خصوصی‌سازی را کند کرد» (قهرمان‌پور، ۱۳۸۴: ۲۳۰-۲۲۹). اما در سال ۱۹۹۳ مرگ اوزال، که بعدها مشخص

شد ترور بیولوژیک بوده است، به زودی موجب ایجاد بحران شد. اگرچه در سال ۱۹۹۴، قانون خصوصی سازی به خوبی اصلاح شد و دوباره درآمدهای خصوصی سازی را تا سال ۱۹۹۶ افزایش داد، اما پیروزی اربکان با حزب رفاه اسلام گرای وی و سپس کودتای ارتش موجب بی ثباتی سیاسی شد که درآمدهای خصوصی سازی را کاهش داد و دولت تازه تأسیس اجویت را در یک بحران اقتصادی عمیق فرو برد، به طوری که «در سال ۲۰۰۱، اقتصاد ترکیه در بدترین بحران خود به سر می برد، بانکها با ورشکستگی مواجه شده و ارزش سهام به شدت سقوط کرد. دولت در فوریه ۲۰۰۱، مجبور به کاهش شدید ارزش لیر ترک شد، تولید ناخالص ملی کاهش یافت، و بدهی های عمومی تا ۹۰ درصد تولید ناخالص ملی رسید. مدیریت ضعیف مالی و نظام شکننده بانکداری این کشور در پی بی ثباتی سیاسی، از دلایل این بحران بود. ... اما هم زمان، انعطاف پذیری و پویایی آن را هم نشان داد. به طوری که در نتیجه اصلاحات با حمایت صندوق بین المللی پول، دوران بهبود طی شد» (مرادیان، ۱۳۸۵: ۶۸) این بار اما، این کمال درویش بود که در سمت وزیر دارایی، اصلاحات ساختاری نهادی نئولیبرال را رهبری کرد و ثبات سیاسی بعد از انتخابات ۲۰۰۲، با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه اردوغان برای مدت ۱۶ سال، ترکیه را در راه توسعه اقتصادی سریع قرار داد.

۳-۱-۴. سند راهبردی چشم انداز توسعه اقتصادی ترکیه

کمال درویش را معمار بزرگ اقتصاد ترکیه نام گذاری کرده اند، او کسی است که برای توسعه اقتصادی ترکیه سند راهبردی چشم انداز ۲۲ ساله تهیه کرد و اصلاحات نهادی اساسی اقتصادی را هدایت کرد. «کمال درویش در ماه های ابتدایی سال ۲۰۰۱ به عنوان وزیر دارایی ترکیه منصوب شد. درویش با سابقه بیش از دو دهه فعالیت در بانک جهانی، سکان هدایت اقتصاد ترکیه را در دست گرفت، اما در ابتدای دوران وزارت با چالش های فراوانی روبه رو بود. شدت مشکلات ترکیه در سال های پایانی قرن بیستم و سال های آغازین قرن بیست و یکم به حدی بود که کارشناسان از این دوران به عنوان دوره بزرگ ترین بحران اقتصادی مدرن در ترکیه یاد می کنند. اما عضو سابق بانک جهانی، توانست در سایه روابط بین المللی که در زمان فعالیت در بانک جهانی کسب کرده بود،

در یک برنامه اصلاحی سه ساله، اقتصاد بیمار ترکیه را به محدوده سلامت بازگرداند» (دنیای اقتصادی، ۱۳۹۶).

درویش برای ترکیه برای دست یافتن به توسعه اقتصادی، یک سند راهبردی ۲۲ ساله تنظیم کرد که هدف کلی آن به این قرار است: «دستیابی به یک تمدن قوی جهانی در قرن بیست و یکم». اهدافی که در زیرمجموعه این سند چشم‌انداز تدوین شده است، عبارت است از: «تولید با کیفیت استانداردهای جهانی، دست یافتن به درآمد عادلانه، امنیت فردی مناسب، تعمیق دموکراسی، تعمیق قانون‌مندی، گسترش آزادی‌های مذهبی، تعمیق سکولاریسم، ارتقای علوم انسانی. به علاوه این، مشارکت بیشتر در تولید جهانی از طریق دست یافتن به جامعه‌ای آگاه و دانایی‌محور، دستیابی اکثریت جمعیت به زندگی انسانی، متمدن، ارتقای سطح زندگی اجتماعی، اقتصادی قدرتمند و به دور از فساد، ارتقای سطح عدالت و سلامت جامعه، تقویت ظرفیت علم و فناوری، گسترش فناوری‌های جدید، حفظ محیط زیست، افزایش کارایی در خدمت‌رسانی سازمانی و تأثیرگذار بودن در منطقه و عرصه جهانی ((Long term strategy of Turkey, 2001).

۴-۱-۴. اصلاحات مالی و اقتصادی درویش و تداوم آن‌ها در دوران حکومت حزب عدالت و توسعه

اصلاحاتی که درویش در ترکیه پایه‌گذاری کرد، همچنان در دولت‌های برآمده از حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، به قوت خویش باقی است. این اصلاحات در سه بخش سیاست‌گذاری اقتصاد کلان، سیاست‌گذاری پولی و سیاست‌گذاری ارزی به صورت نهادی انجام شده است. «بر این اساس دولت در سطح کلان با بهره‌گیری از ۴ ابزار «گسترش بخش خصوصی و افزایش رقابت»، «کاهش تقاضای داخلی و توسعه صادرات»، «ایجاد ساز و کار و تشویق برای جذب سرمایه خارجی» و «افزایش بهره‌وری و استفاده از تکنولوژی» توانسته برنامه توسعه و رشد اقتصادی را تداوم بخشد. در بخش سیاست‌گذاری پولی نیز با هدف‌گذاری ضمنی و تمام‌عیار توانسته نرخ تورم را به زیر ۵ درصد کاهش دهد.

در این بخش، سرعت بخشیدن به خصوصی‌سازی بانک‌ها، صنایع، بخش‌های



خدماتی دولتی، کنترل دستمزدها و کاهش مخارج عمومی به منظور جلوگیری از افزایش کسری بودجه و در نهایت کاهش نرخ تورم از اهداف برنامه بود. بنابراین ترکیه با تکیه بر وام‌های صندوق بین‌المللی پول و اتخاذ سیاست‌های اصلاحی پولی و مالی، بعد از مدت‌ها توانست یک دولت برخوردار از ثبات اقتصادی را ایجاد کند. به طوری که در ابتدای ژانویه ۲۰۰۱ تورم ۱۰۰ درصدی را تا حدود ۳۵/۶ درصد کاهش داد، اما در سال اول روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و بهره‌گیری از هدفگذاری ضمنی تورم نرخ تورم در ترکیه در پایان سال ۲۰۰۲ به ۴۴/۹ درصد رسید، با این حال این سیاستگذاری پولی تقویت شد، به طوری که توانست نرخ ۱۸/۴ درصدی در سال ۲۰۰۳ به‌عنوان یک رکود برجای گذارد که از گام‌های مهم در مهار مشکل اقتصادی ترکیه به شمار می‌رود. در پایان سال ۲۰۰۴، در حالی که نرخ تورم مورد هدف برنامه‌های اقتصادی این کشور ۱۲ درصد در نظر گرفته شده بود، نظام اقتصادی عملاً به نرخ تورم ۹/۳ درصد رسید که از نرخ هدف پایین‌تر بود.

این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت و در سال ۲۰۰۸ نرخ تورم به کمتر از ۵ درصد کاهش یافت. در بخش ارزی نیز با تغییر از نظام ارزی ثابت به نظام ارزی شناور همراه با استقلال کامل سیاست‌گذار ارزی، توانسته به احیای ارزش پول داخلی کمک کند. در این راستا، در ماه مه ۲۰۰۱ طرح تجدید ساختار بخش بانکی برای شفاف‌سازی این بخش، گسترش بانکداری خصوصی، تقویت نظارت و ارتقای رقابت و کارایی بخش بانکی پیاده‌سازی شد. تغییر از نظام ارزی ثابت به نظام ارزی شناور، جلب رضایت صندوق بین‌المللی پول برای کمک‌های بیشتر، استقلال نهادهای مقرراتی مالی، التزام دولت به انضباط پولی، استقلال کامل بانک مرکزی از لحاظ حقوقی و افزایش پشتیبانی خارجی مهم‌ترین محورهای اصلاح ساختاری نظام بانکی پس از بحران مالی ترکیه بودند. در سال ۲۰۰۲، بانک مرکزی ترکیه استراتژی پولی مدرن را تحت عنوان «نظام تورم هدف» به اجرا گذاشت. طی پیاده‌سازی نظام «تورم هدف» در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵، بانک مرکزی ترکیه کوشید زیرساخت‌های نظام ارزی جدید را فراهم کند. در یک دهه گذشته نیز لیر ترکیه تا حدودی توانست خود را در برابر دلار و یورو تثبیت کند، هر چند پس از ۲۰۰۵ نیز تا حدودی به علت رشد اقتصادی و تورم همراه با آن و

منفی ماندن تراز تجاری در این کشور در بعضی سال‌ها با وجود روند بهبود کلی آن، با روند متعادلی به تدریج از نرخ برابری قیمت این ارز، البته با روند آهسته‌تری نسبت به قبل، کاسته شده است» (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴)، اما ترکیه تلاش کرده ارزش واحد پولی خود را در حدی متعادل نگاه دارد.

اما از جمله فعالیت‌های دیگری که در دوران حزب عدالت و توسعه موجب تداوم توسعه اقتصادی ترکیه شده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: «تداوم اصلاحات ساختاری تدریجی، زمینه‌سازی برای افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مبارزه با فساد، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، و جهت‌گیری اقتصادی برون‌نگر با تشویق توسعه صادرات» (شبان، ۱۳۹۰: ۶۵-۵۱)؛ که همگی موجب شده این حزب کارنامه موفقی در زمینه سیاست اقتصادی داخلی در مدت ۱۶ زعامت بر جامعه ترکیه از خود ارائه دهد و به علاوه این حزب در سیاست خارجی نیز مشی میانه‌روی را در پیش گرفته است و تلاش کرده با همکاری با نظام بین‌الملل و تداوم همگرایی با سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی و غیراقتصادی زمینه را برای توسعه اقتصادی ترکیه در این بعد نیز فراهم آورد. اما نباید از این نکته نیز غافل شد که اقتصاد ترکیه هنوز هم شکننده است و اگر دولت ترکیه به رهبری اردوغان تلاش کند، سابقه همکاری با قدرت‌های بزرگ را فراموش کرده و دست به ماجراجویی در سیاست خارجی خود بزند، سرمایه‌های جذب شده از این کشور فرار خواهند کرد. این وضعیت را می‌توان در سال ۲۰۱۸ به خوبی مشاهده کرد. چرا که در شش ماهه اول این سال، «ارزش لیر ترکیه ۳۴ درصد کاهش یافته است و به دنبال کاهش ارزش پول ملی، دولت ترکیه تصمیم گرفته بهره بانکی را افزایش دهد. بانک مرکزی ترکیه، نرخ بهره را ۳ درصد افزایش داده و به ۱۶,۵ درصد رسانده است که افزایش قابل توجهی است» (www. Euronews. com, 2018). این مسأله به روشنی نشان می‌دهد که هرگاه ترکیه بخواهد از همگرایی با سیاست‌های قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا سربتابد، با مشکلات اقتصادی روبه‌رو خواهد شد، اما در برابر، هر گاه همگرایی با نظام بین‌الملل نشان دهد، در جهت بهبود وضعیت اقتصادی پیش خواهد رفت.

۲-۴. سیاستگذاری اقتصادی و سیاسی ترکیه در بعد خارجی: همگرایی با نظام بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی جهت توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی

ترکیه از نظر منطقه‌ای که در آن واقع شده است، پلی میان شرق و غرب است و به لحاظ تمدنی، پلی میان اسلام و مسیحیت. بنابراین، در عرصه سیاست خارجی، کارشناسان این کشور بر این باورند که «ترکیه پلی میان آسیا و اروپا بوده و وظیفه دیپلماسی این کشور، وساطت، میانجیگری و همکاری میان طرفین منازعه در مناطق پیرامونی و شرق و غرب این کشور است» (Soyzal, 2004: 49). بر این اساس است که احمد داوود اغلو به عنوان نظریه‌پرداز سیاست خارجی این کشور، اعتقاد دارد که ترکیه در عمق راهبردی خود، به جای کسب هژمونی در مناطق پیرامونی خود، باید بتواند به ایجاد ثبات و صلح در مناطق بیرونی خود کمک کند. بنابراین، عمق راهبردی، چراغ راه سیاست خارجی ترکیه در فضای جدید بین‌المللی است، ترکیه با اروپا، خاورمیانه، قفقاز و بالکان همسایه است ... و ناگزیر از تعامل با آن است. ... با تعامل درست و افزایش عمق راهبردی، ترکیه یک بازیگر مؤثر جهانی در بیست سال آینده خواهد شد» (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۸).

البته ترکیه پیش از این نیز در چارچوب سیاست خارجی خود، تلاش کرده تا با نظام بین‌الملل، همگرایی داشته باشد. «از نظر اقتصادی، نظریه همگرایی به یک رشته سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که محدودیت‌های تجاری، موانع و تبعیضات موجود بر سر راه روابط اقتصاد بین‌الملل را حذف و یا به حداقل ممکن تقلیل دهد. هدف از همگرایی اقتصادی، گسترش تولید جهانی و به تبع آن، تخصص در تولید داخلی، کسب درآمدهای ارزی، کاهش هزینه‌های تولید در سطح منطقه‌ای، افزایش تجارت، صرفه‌جویی در منابع کمیاب، توزیع بهینه درآمد، افزایش کارایی در تولید و تجارت، افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و استفاده از مزیت‌های نسبی می‌باشد. همگرایی اقتصادی به دنبال آزادسازی تجاری است و در نهایت ایده «جهانی شدن اقتصاد» را دارد» (مرادیان، ۱۳۸۳: ۴۴۲). اما پیش از همگرایی اقتصادی یک کشور با دیگران، نیاز است تا این کشور در عرصه بین‌المللی، با قدرت‌های بزرگ نظام و سازمان‌های اقتصادی-مالی، سیاسی و نظامی بین‌المللی روابط محکمی داشته باشد.

۱-۲-۴. همکاری و همگرایی ترکیه با آمریکا

ادغام در اقتصاد جهانی تا حدود زیادی نیاماند همگرایی با نظام بین‌الملل است و ترکیه، بی‌شک بدون اتحاد با آمریکا، چنین توانی را به دست نمی‌آورده است. این کشور، قبل از جنگ جهانی دوم، روابط خوبی با آمریکا داشت و پس از این جنگ، «به عنوان متحد غرب به خصوص آمریکا در منطقه خاورمیانه درآمد» (بهکیش، ۱۳۷۸: ۱۷۶) و همچنان متحد آمریکا باقی ماند، به طوری که در سال ۱۹۹۱ که نظام دوقطبی در عرصه بین‌المللی از میان رفت و آمریکا یکه‌تاز عرصه جهانی شد، ترکیه نیز به عنوان متحد این کشور در بلوک غرب و نیز در ناتو به عنوان یکی از اعضای جبهه پیروز نظام دوقطبی، سربرآورد و حتی پس از آن، در نتیجه اینکه آرام‌آرام نظام بین‌المللی، به ویژه در نیمه دوم دهه ۲۰۰۰، به سوی سلسله مراتبی شدن پیش رفت، ترکیه نیز جایگاه خود را در آن تثبیت کرد. البته ترکیه در چارچوب عمق راهبردی خود، به میزان زیادی هم به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۲ و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، به مناطق پیرامون خود در خاورمیانه و نیروهای اسلام‌گرای آن توجه کرده است.

اما در کل، جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی آن، «به سمت غرب بوده و نشئت گرفته از تفکر کمالیسم بوده است. بیشتر نخبگان ترکیه، به این اصل اعتقاد داشته و معقدند که ترکیه مدرن و مستقل، تنها از طریق غربی شدن و اروپایی شدن قابل تحقق است. روابط گسترده ترکیه با ناتو، آمریکا و تمایل برای پیوستن به اتحادیه اروپا در قالب این رویکرد قابل تفسیر است. اما جهت‌گیری دوم ترکیه در سیاست خارجی که نسبتاً جدید است، حرکت به سوی مناطق پیرامونی بوده است، اما این ایفای نقش بیشتر در قالب همکاری با ایالات متحده بوده و از این نظر، در نوع نگاه این کشور به خاورمیانه و غرب، تغییری محسوس و ملموس به وجود نیامده است» (فیلیپ، ۲۰۰۷: ۴۴)، اگرچه اردوغان، به تازگی و پس از آغاز بهار عربی در ۲۰۱۱، در حال گسترش نفوذ ترکیه در پیرامون خود است و تلاش کرده تا مستقل از آمریکا حرکت‌هایی انجام دهد، روندی آرام‌آرام، در عرصه روابط خارجی ترکیه و آمریکا، خود را نشان داده و تا سال ۲۰۱۹، اندکی روابط این دو را تیره کرده است، امری که پس از سال ۲۰۱۵، روند توسعه اقتصادی این کشور را اندکی کند کرده است و در نمودارهای اقتصادی به خوبی هویدا است.

۲-۲-۴. همکاری و همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا

ترکیه اندکی پس از تشکیل اتحادیه اروپا، با نگاهی که همواره به غرب داشته است، درخواست داشته که به عضویت این اتحادیه درآید. امید ترکیه به عضویت در اتحادیه اروپا، زمانی بیش از پیش شد که کشورهای اروپای شرقی نیز به عضویت آن درآمدند. «ترکیه در واقع از ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ به طور رسمی به عنوان نامزد عضویت در اتحادیه اروپا شناخته شده، ولی مذاکرات برای پیوستن به اتحادیه اروپا از ۳ اکتبر ۲۰۰۵ آغاز شده است» (واحدی، ۱۳۸۴: ۲۳۴). پیوستن به اتحادیه دارای شرایطی است که باید رعایت شود و این شرایط، نیازمند اصلاحات ساختاری، به ویژه در عرصه اقتصادی است، که بتواند کشور را به حداقل استانداردهای اقتصادی و سیاسی اعضای اتحادیه برساند. از جمله استانداردهای اتحادیه اروپا، کاهش تورم و درهای باز اقتصادی است که موجب شود سرمایه‌گذاری خارجی به کشور وارد شود. «مطرح شدن پیوستن به اتحادیه اروپا، سبب شد تا ترکیه قانون تازه‌ای برای جذب سرمایه‌های خارجی تصویب کند. مهم‌ترین قانون، قانونی بود که این کشور در سال ۲۰۰۳ تصویب کرد و از آن پس درون‌ریز سرمایه‌های خارجی به ترکیه چندین برابر شد» (مرادیان، ۱۳۸۳: ۴۴۲).

به علاوه، «در عرصه اقتصادی، دولت ترکیه تلاش‌های گسترده‌ای در جهت مبارزه با تورم انجام داده است» (واحدی، ۱۳۸۴: ۲۳۷) اگرچه در عرصه اقتصادی ترکیه برای عضویت در این اتحادیه به خوبی عمل کرده است، اما عضویت در اتحادیه هنوز تحقق نیافته است، چرا که اتحادیه برای ترکیه شرایط غیراقتصادی هم دارد، از جمله: «مسئله قبرس، مسئله حفظ حقوق اقلیت‌ها، مسئله حقوق زنان، مسئله نسل‌کشی ارمنه در ۱۹۱۵، ساختار زیربنایی دموکراسی، مسئله دخالت نظامیان در امور سیاسی» (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۳) و همچنین گسترش اسلام‌گرایی در این کشور. در کل این امور، در حال حاضر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را به حال تعلیق درآورده است. با این حال نقش اتحادیه اروپا در تدام اصلاحات اقتصادی ترکیه هنوز هم پررنگ است و «یکی از انگیزه‌های قوی دولت‌های مختلف در پیشبرد روند خصوصی‌سازی، تسهیل ورود ترکیه به اتحادیه اروپا است. اگرچه با سخت‌گیری‌های اتحادیه و سیاست نگاه به پیرامون فعلی دولت اردوغان، تب پیوستن به اتحادیه فروکش کرده است، اما تداوم اصلاحات اقتصادی با استانداردهای اتحادیه اروپا هنوز هم در ترکیه مورد بحث است.

۳-۲-۴. همکاری ترکیه با سازمان بین‌المللی امنیت دسته جمعی ناتو

ترکیه در ۱۸ فوریه سال ۱۹۵۲، درست با اوج گرفتن دوره اول جنگ سرد، به همراه یونان، از اولین کشورهایی بودند که پس از اعضای اصلی به وجود آورنده، به عضویت پیمان نظامی آتلانتیک شمالی (ناتو) درآمد (امینی و حسین‌خانی، ۱۳۹۲: ۲۰۸). ترکیه، این وضعیت را مدیون نزدیکی در مرزهای جنوب شرقی اتحاد جماهیر شوروی و کنترل بر تنگه‌های راهبردی بسفر و داردانل بود و سپس، به محل استقرار موشک‌های اتمی آمریکا برای مقابله با شوروی، طی اوج دوره اول جنگ سرد، در جریان خلیج خوک‌ها در ۱۹۶۲، تبدیل شد. ترکیه این وضعیت را حتی پس از فروپاشی نظام دو قطبی نیز حفظ کرده است، به طوری که استفاده مکرر نیروهای ناتو و آمریکا در طی بحران‌های مختلف خاورمیانه برای جنگ دوم خلیج فارس، کنترل مناطق پرواز ممنوع عراق پس از خروج از کویت، جنگ ۲۰۰۳ عراق و...، از پایگاه اینچرلیک ترکیه گویای این امر است و در برابر نیز، ترکیه هم از فرصت‌های سیاسی و هم از فرصت‌های اقتصادی که توسط غرب فراهم می‌شود، استفاده می‌کند. در حقیقت، «در برنامه‌های غرب و آمریکا، ترکیه به عنوان تکیه‌گاه محکم ناتو و نوار ضربه‌گیر بین اروپا و خاورمیانه، و عامل بازدارنده حرکت اسلام‌گرایی افراطی به سوی غرب، و عنصر مهم مقابله در قفقاز و حوزه دریای سیاه در نظر گرفته شده است» (مرادیان، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

به این ترتیب، ترکیه پایگاهی استوار در گسترش ناتو به سوی شرق است. «ترکیه دارای دومین ارتش ناتو، از نظر تعداد افراد و سومین نیروی دریایی پس از آمریکا و انگلیس، از نظر قدرت آتش است. این کشور با حضور فعال در زرمایش‌های ناتو، امکان افزایش توان نظامی خود را فراهم کرده و توانسته خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مطرح نماید» (مرادیان، ۱۳۸۵: ۲۴۳). این امر را حتی می‌توان به روشنی در حادثه ساقط کردن هواپیمای جنگی روسیه در ۳ آذر ۱۳۹۴ (۲۴ نوامبر ۲۰۱۵) که در جنگ سوریه، حریم هوایی ترکیه را نقض کرده بود، می‌توان دریافت. ترکیه با اطمینان از پشتیبانی ناتو به چنین کاری دست زد و روسیه در عمل نتوانست پاسخی نظامی به این عملیات ترکیه نشان دهد، به طوری که تحلیلگران از این عملیات به «تقابل ناتو و روسیه» (عصر ایران، ۱۳۹۴) یاد کردند.

۴-۲-۴. همکاری ترکیه با نهادهای اقتصادی بین‌المللی: بانک جهانی و صندوق

بین‌المللی پول

همگرایی فزاینده اقتصاد جهانی و الزامات بین‌المللی مربوط به آن، زمینه مشارکت و تعامل هر چه بیشتر اقتصاد یک کشور با جهان خارج را، بیش از گذشته در قالب فعالیت و همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی فراهم ساخته است. از این رو بررسی وضعیت روابط اقتصادی و مالی با سازمان‌های عمده پولی و مالی بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ترکیه برای اینکه بتواند از تورم شدید رهایی یابد، اصلاحات اقتصادی عمده‌ای را در میانه دهه ۱۹۸۰ توسط اوزال انجام داد، اما «با وجود اینکه سیاست‌های اقتصادی ترکیه سبب شد تا اقتصاد این کشور با سرعت بالایی رشد کند، ولی صندوق بین‌المللی پول بر این باور بود که وضعیت اقتصادی این کشور به طور زیربنایی اصلاح نشده است و سیاست‌های مالی سخت‌گیرانه‌تری برای اصلاح اوضاع اقتصاد ضرورت دارد. این نهاد، با اشاره به رشد کسری حساب جاری در ترکیه و سطح بالای بدهی‌های خارجی از دولت می‌خواست تا با استفاده از سیاست‌های مالی سخت‌گیرانه‌تر مانع از بازگشت مجدد تورم به اقتصاد این کشور شود» (مرادیان، ۱۳۸۳: ۴۴۴).

ترکیه البته دهه ۱۹۹۰ را بدون انجام این اصلاحات طی کرد که نتیجه آن ایجاد تورم ۱۲۰ درصدی در ابتدای سال ۲۰۰۰ بود. بنابراین، اصلاحات ساختاری عمیقی را بر اساس رهنمودهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در سال ۲۰۰۲ به رهبری درویش، وزیر اقتصاد، آغاز کرد که خود برای سال‌ها در بانک جهانی مشغول به فعالیت بود. به این ترتیب، «اقتصاد ترکیه با اجرای برنامه‌های اصلاحات اقتصادی مورد نظر صندوق بین‌المللی پول در دو دهه بعد به تدریج توانست در مسیر اقتصاد باز حرکت نماید و هم‌اکنون، از جمله اقتصادهای آزاد تلقی می‌شود. ... در واقع اصلاحات تحت حمایت صندوق مذکور بعد از بحران مالی ۲۰۰۱ ترکیه، بی‌ثباتی اقتصاد کلان را تقلیل داد» (مرادیان، ۱۳۸۵: ۶۶۹-۶۷۸) البته لیر در برابر ارزش‌های بین‌المللی تا سال ۲۰۰۴ همچنان بسیار ضعیف بود، و سه سال طول کشید که ارزش زیادی به لیر بخشیده شود، در ادامه ترکیه با همین رهنمودها توانست که با حذف صفرهای لیر در ۲۰۰۵ به ارزش

ارتقا یافته آن ثابت ببخشد، روندی که همچنان ادامه نیز یافته و دیگر صفر تازه‌ای به این واحد پولی اضافه نشده است، با این حال با سیاست‌هایی که اردوغان در عرصه سیاست خارجی در پیش گرفته است و خود را در حال زاویه گرفتن از آمریکا نشان می‌دهد. روندی که باعث شده «از شش ماهه ابتدایی سال ۲۰۱۸، ۳۴ درصد از ارزش لیر در برابر دلار کاسته شده است، اما بانک مرکزی ترکیه با افزایش ۳ درصدی بهره و رساندن آن به ۱۶/۵ درصد تلاش دارد تا جلوی سقوط بیشتر ارزش لیر را بگیرد، در حالی که اردوغان مخالف افزایش بهره است و تلاش می‌کند بر بانک مرکزی تسلط یابد» (www.euronews.com, 2018). این عمل بانک مرکزی نشان‌دهنده استقلالی است که این نهاد در ترکیه دارد و این استقلال محصول اجرای سیاست‌ها و اصلاحات درخواستی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در سال‌های گذشته می‌باشد.

۵-۲-۴. فرصت جهانی شدن و همکاری ترکیه با سازمان تجارت جهانی

بر اساس نظریات آزادسازی اقتصادی و ادغام در جهان در مکتب نوسازی، «نئولیبرال‌ها معتقدند که اثر جهانی شدن مثبت است و سرانجام همه دولت‌ها از رشد اقتصادی که به وسیله نیروهای جهانی شدن تقویت می‌گردد، بهره‌مند می‌شوند» (استیون، ۱۳۹۲: ۴۳۷). با اینکه، روند جهانی شدن از در حوزه اقتصاد، به عنوان نخستین حوزه آن، از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، اما ترکیه در پیوستن به آن در سال‌های اولیه این رویداد، توفیق زیادی نداشت. اگر یکی از شاخص‌های اصلی جهانی شدن اقتصاد و ادغام در اقتصاد جهانی، پذیرش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته شود، ترکیه در سال ۱۹۷۴ تنها ۶۴ میلیون دلار، پذیرش این سرمایه را داشته است. روند این پذیرش تا سال ۱۹۸۶ با افت‌وخیز بسیار همراه بوده است و تنها بعد از این سال است که بالای ۱۰۰ میلیون دلار قرار می‌گیرد. یکی از دلایل این افت‌وخیز، ثابت نداشتن دولت‌ها در ترکیه بوده است که سرانجام به کودتای ۱۹۸۰ ختم شد. اما با ثابت یافتن دولت‌ها پس از کودتا و روی کار آمدن تورگوت اوزال که سیاست‌های لیبرال اقتصادی را در این کشور دنبال کرد، و می‌توان وی را پایه‌گذار اقتصاد نوین ترکیه برای توسعه دانست، این رقم در از ۱۹۸۸ شروع به افزایش کرد و از رقم ۱۱۵ میلیون دلار در این سال، تا سال ۱۹۹۰ به رقم ۶۴۸

میلیون دلار افزایش یافت، به عبارت بهتر سیاست‌های درهای باز اقتصادی موجب شد که این رقم با رشدی ۵۰۰ درصدی روبه‌رو شود و در یک دهه بعد به نزدیک یک میلیارد دلار نیز رسید. در واقع اوزال پایه‌گذار، ادغام اقتصاد ترکیه در اقتصاد جهانی به شمار می‌رود.

در این رابطه، پیوستن ترکیه با سازمان تجارت جهانی در ۲۶ مارچ ۱۹۹۵ بوده است، یعنی تنها دو ماه پس از اینکه موافقتنامه تعرفه و تجارت (گات) به سازمان تجارت جهانی، تبدیل شد. ترک‌ها همچنین با دقت توانسته‌اند به مدیریت جهانی شدن دست زنند و از فرصت‌های به وجود آمده توسط جهانی شدن اقتصاد و این سازمان، همچون افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، درهای باز اقتصادی، کاهش تعرفه گمرکی، فعالیت پویا در سازمان تجارت جهانی و... برای توسعه خود استفاده کنند. طی دهه‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، با استفاده از این روش، ترکیه در صنعت گردشگری، نساجی و پوشاک، محصولات غذایی، پیشرفت بسیار عظیمی را به دست آورده است.

۶-۲-۴. بهبود روابط ترکیه با روسیه

در چارچوب همگرایی با نظام بین‌المللی و تنش‌زدایی از روابط، در نگاه ترکیه به شرق که روسیه و چین را، به عنوان شرکای بزرگ تجاری دربرمی‌گیرد. بر این اساس، ترکیه «نگاه امنیتی حاکم بر روابط با روسیه را به نگرشی مسالمت‌جویانه تبدیل کرده است. به نحوی که بیش از هفتاد درصد واردات گاز ترکیه از روسیه انجام می‌شود و قراردادهایی در زمینه تجاری انرژی و خطوط انتقال نفت و گاز میان دو کشور امضا شده است» (نقدی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۲). به علاوه بر اساس قراردادهایی میان دو کشور، ترکیه مقصد اول گردشگران روسی به شمار می‌آید و این کشور از حضور گردشگران روسی، سود سرشاری می‌برد که به توسعه صنعت گردشگری آن نیز کمک شایانی کرده است. شایان ذکر است که صنعت گردشگری در توسعه اقتصادی ترکیه جایگاه ویژه‌ای دارد که به یمن پذیرش الگوهای غربی فرهنگی در زندگی مردم ترکیه به وجود آمده است، هر چند اسلامگرایان ترک، بر ارزش‌های اسلامی پا فشاری می‌کنند، اما این ارزش‌ها، حتی توسط حزب حاکم عدالت و توسعه، که بر پایه ارزش‌های اسلامی به وجود آمده است،

جلوی آزادی‌های اجتماعی و به‌ویژه آزادی‌های گردشگران خارجی را نگرفته است. ترکیه یک کشور اسلامی با حاکمیت حزبی اسلامی است، اما در هتل‌های آن‌ها مسافران برای اقامت نیاز به نشان دادن ارتباط شرعی با هم ندارند، بارهای نوشیدنی الکلی و دیسکوها آزاد هستند، ساحل‌ها برای پذیرش گردشگران بدون لباس مشکلی ندارند و حتی گردشگران در بازدید از مساجد مثل ایاصوفیا، سلطان احمد و... هم نیاز به رعایت حجاب اسلامی ندارند.

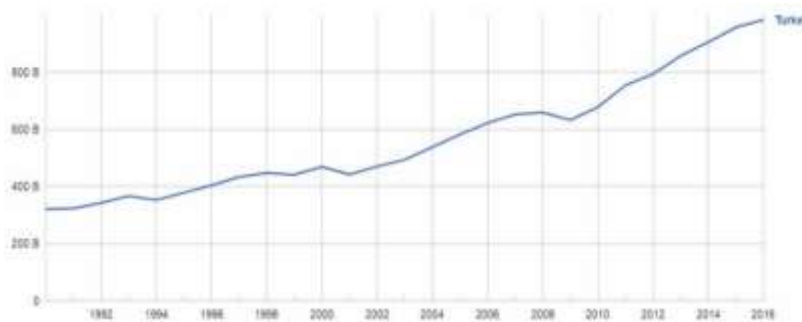
۱۱۷

۵. آثار و پیامدهای سیاست‌گذاری‌های مالی، اقتصادی و سیاسی جمهوری ترکیه

جهت توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی

بهترین وسیله برای تشخیص روشن اینکه آیا جمهوری ترکیه بر اساس سیاست‌گذاری‌های خود در زمینه توسعه اقتصادی به این نوع از توسعه دست یافته است یا خیر، بررسی داده‌های شاخص اقتصادی این کشور است. اما این داده‌ها جهت قابل اعتماد بودن باید از منبعی درست به دست آورده شده و سپس مورد تحلیل قرار گیرند. این منبع در این مقاله، اطلاعات ارائه شده توسط بانک جهانی است و مهم‌ترین این شاخص‌های که افزایش آن‌ها نشان‌دهنده توسعه اقتصادی است، عبارت‌اند از: ارزش تولید ناخالص داخلی، میزان درآمد ملی، میزان درآمد سرانه و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. به علاوه شاخص دیگری که کاهش آن نشان‌دهنده توسعه اقتصادی است، درصد تورم در یک کشور است. اگر در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷ این کاهش و افزایش‌ها، روی داده باشد، آنگاه باید اثر سیاست‌گذاری‌های ترکیه در توسعه اقتصادی را مثبت ارزیابی کرد.

۱-۵. افزایش تولید ناخالص داخلی ترکیه در جریان توسعه اقتصادی این کشور



Source: World Bank (2019A), at: <https://www.google.com/publicdata>

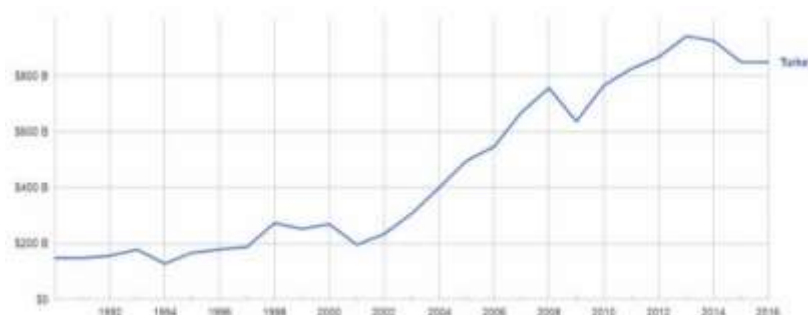
نمودار ۱. تولید ناخالص داخلی در ترکیه (۲۰۱۷-۱۹۹۰) به میلیارد دلار (دلار ثابت سال ۲۰۰۰)

نمودار تولید ناخالص داخلی در ترکیه در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، نشان می‌دهد که این کشور در دهه ۱۹۹۰، از رشد مطلوبی برخوردار بوده است. یعنی از رقم ۳۲۱,۳ در سال ۱۹۹۰ به رقم ۴۶۹,۳ در سال ۲۰۰۰ رسیده است که نشان دهنده رشد ۱۴۰ میلیارد دلاری این کشور است. این رقم در سال ۲۰۰۱ به ۴۴۲,۳ و در سال ۲۰۰۲، یعنی سال روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه به رقم ۴۷۰,۶ می‌رسد. پس از روی کار آمدن این حزب و برقراری ثبات سیاسی در ترکیه، در طول دهه ۲۰۰۰، یعنی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰، ارقام در این شاخص به ترتیب سال عبارت بوده است از ۴۷۰,۶ و ۶۷۸,۶ که نشان دهنده رشد شدید و بی‌سابقه ۲۱۷ میلیارد دلاری در این شاخص است که در پرتو سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان به دست آمده است. این رقم در سال ۲۰۱۱ به ۷۵۵,۶ رسیده است و تا سال آخرین آمار در دسترس یعنی سال ۲۰۱۶ به رقم ۹۸۴ میلیارد دلار رسیده است که نشان دهنده رشد باز بی‌سابقه ۲۷۰ میلیارد دلاری در این زمینه است. این رقم در ترکیه در سال ۲۰۱۷ به ۱/۰۶۳۵ تریلیون دلار رسیده است. در کل ترکیه در شاخص تولید ناخالص داخلی در سال‌های دهه‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، رشد بسیار خوب ۶۶۳ میلیارد دلاری داشته است که نشانه وضعیت توسعه اقتصادی مطلوب در این کشور در این دوره به‌ویژه از



سال ۲۰۰۲ تا کنون تحت رهبری حزب عدالت و توسعه است که ثبات سیاسی را برای ترکیه به ارمغان آورده است.

۲-۵. افزایش درآمد ملی ترکیه در جریان توسعه اقتصادی این کشور



Source: World Bank (2019B), at: <https://www.google.com/publicdata>

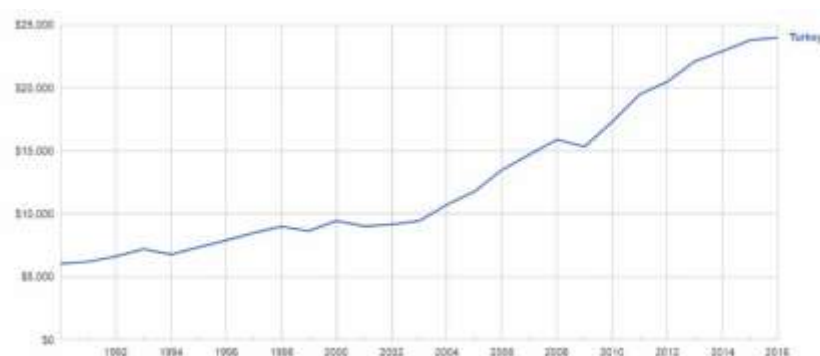
نمودار ۲. درآمد ملی در ترکیه (۱۹۹۰-۲۰۱۷) به میلیارد دلار (نرخ جاری)

نمودار درآمد ملی در ترکیه در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، نشان می‌دهد که این کشور در دهه ۱۹۹۰، از رشد افزایش‌دهنده برخوردار بوده است. یعنی از رقم ۱۴۸,۱ در سال ۱۹۹۰ به رقم ۲۶۹ در سال ۲۰۰۰ رسیده است که نشان‌دهنده رشد ۱۲۱ میلیارد دلاری این کشور است. این رقم در سال ۲۰۰۱ به ۱۹۵,۲ و در سال ۲۰۰۲، یعنی سال روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه به رقم ۲۳۳,۸ می‌رسد. پس از روی کار آمدن این حزب و برقراری ثبات سیاسی در ترکیه، در طول دهه ۲۰۰۰، یعنی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰، ارقام در این شاخص به ترتیب سال عبارت بوده است از ۲۳۳,۸ و ۷۶۵,۳ که نشان‌دهنده افزایش ۵۳۲ میلیارد دلار، یعنی چیزی در حدود ۲۰۰ درصد در این شاخص است که در پرتو سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان به دست آمده است. این رقم در سال ۲۰۱۱ به ۸۲۵ میلیارد دلار رسیده است و تا سال آخرین آمار در دسترس یعنی سال ۲,۱۶ به رقم ۸۴۸,۷ میلیارد دلار رسیده است که نشان‌دهنده افزایش ۸۳ میلیارد دلار در این زمینه است، که نسبت به دهه قبل کمتر



بوده است. در سال ۲۰۱۷ نیز این رقم به ۸۴۰/۰۰۹۳ میلیارد دلار می‌باشد که اگرچه کاهش نشان می‌دهد اما در واقع با محاسبه کاهش قدرت خرید دلار، ترکیه در این زمینه پیشرفت داشته، اما آهنگ آن کند شده است. در کل ترکیه در شاخص درآمد ملی در سال‌های دهه‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، رشد سریعی به ویژه در دهه ۲۰۰۰ داشته است که نشانه سیاست‌های مناسب در زمینه توسعه اقتصادی این کشور در این دوره به‌ویژه از سال ۲۰۰۲ تا کنون تحت رهبری حزب عدالت و توسعه است که ثبات سیاسی را برای ترکیه به ارمغان آورده است.

۳-۵. افزایش درآمد سرانه ترکیه در جریان توسعه اقتصادی این کشور



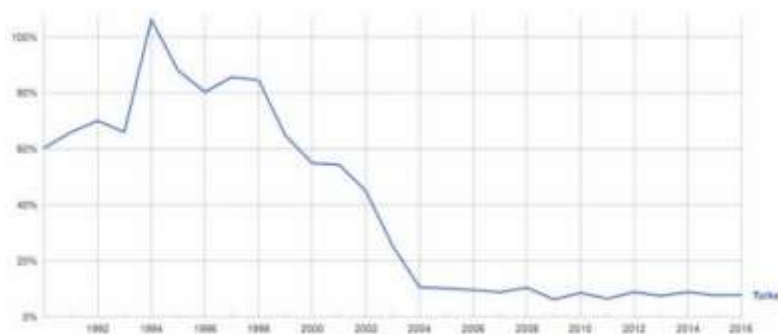
Source: World Bank (2019C), at: <https://www.google.com/publicdata>

نمودار ۳. درآمد سرانه ترکیه بر اساس قدرت خرید دلار (۱۹۹۰-۲۰۱۷) به دلار جاری

نمودار درصد درآمد سرانه بر اساس قدرت خرید دلار در ترکیه در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، نشان می‌دهد که این کشور در دهه ۱۹۹۰، از بهبود برخوردار بوده است. به این معنی که رقم این درآمد سرانه معادل ۶۰۴۰ دلار در سال ۱۹۹۰ بوده است و سپس تا سال ۱۹۹۵ به رقم ۷۳۴۰ دلار رسیده است. در پایان این دهه و سال آغاز قرن بیست و یکم، یعنی در سال ۲۰۰۰، رقم درآمد سرانه در ترکیه به ۹۴۴۰ دلار رسیده و در طی دهه ۲۰۰۰ نیز رشد خود را همچنان حفظ کرده است، به طوری که در سال ۲۰۰۵ به رقم

۱۱۷۶۰ دلار افزایش یافته و در سال ۲۰۰۸ برابر ۱۵۸۹۰ دلار شده است. حتی این رشد به رغم بحرانی جهانی اقتصادی که در سال ۲۰۰۸ بر اقتصاد جهان عارض شد، تا سال ۲۰۱۰ نیز ادامه یافته و به ۱۷۳۱۰ دلار افزایش یافته است. در طی دهه ۲۰۱۰ نیز تداوم این رشد دیده می‌شود، به طوری که در سال ۲۰۱۲ ترکیه درآمد سرانه ۲۰۴۸۰ دلاری را تجربه کرده که تا سال ۲۰۱۶ به رقم ۲۳۹۹۰ دلار افزایش داشته است و این روند همچنان نیز ادامه دارد، به طوری که در سال ۲۰۱۷ به رقم ۲۷۵۵۰ دلار رسیده است. بر این اساس، می‌توان گفت مردم ترکیه نسبت به سال ۱۹۹۰ از رفاه بیشتری برخوردار شده‌اند که یکی از علت‌های اقبال عمومی به در قدرت ماندن حزب عدالت و توسعه و رهبر آن یعنی اردوغان است. به این ترتیب، درآمد سرانه مردم ترکیه بر اساس قدرت خرید دلار، نسبت به سال ۱۹۹۰ در سال ۲۰۱۷، ۴/۵۶ برابر شده است.

۴-۵. کاهش درصد تورم ترکیه در جریان توسعه اقتصادی این کشور



Source: World Bank (2019D), at: <https://www.google.com/publicdata>

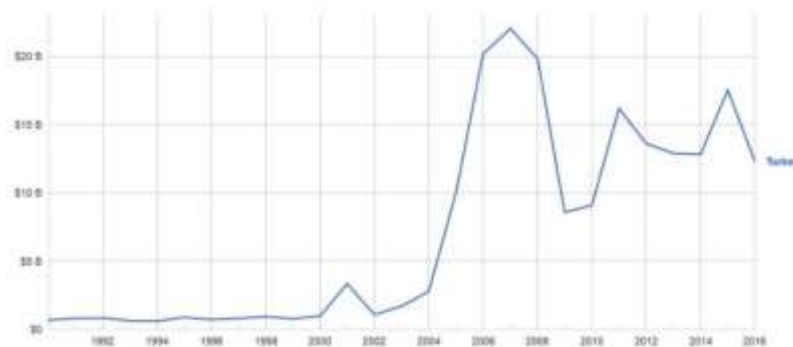
نمودار ۴. درصد تورم در ترکیه (۱۹۹۰-۲۰۱۷)

نمودار درصد تورم در ترکیه در دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۷، نشان می‌دهد که این کشور در دهه ۱۹۹۰، از بهبود برخوردار بوده است. یعنی از رقم ۶۰,۳۱ درصد در سال ۱۹۹۰ به رقم ۵۴,۹۲ در سال ۲۰۰۰ رسیده است که نشان دهنده کاهش اندک آن در این کشور است. این رقم در سال ۲۰۰۱ به ۵۴,۴ و در سال ۲۰۰۲، یعنی سال روی کار آمدن حزب



عدالت و توسعه در ترکیه به رقم ۴۴,۹۶ می‌رسد. پس از روی کار آمدن این حزب و برقراری ثبات سیاسی در ترکیه، در طول دهه ۲۰۰۰، یعنی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰، ارقام در این شاخص به ترتیب سال عبارت بوده است از ۴۴,۹۶ درصد و ۸,۵۷ درصد که نشان دهنده بهبود بسیار زیاد و تک رقمی شدن تورم در این شاخص است که در پرتو سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان به دست آمده است. این رقم در سال ۲۰۱۱ به ۶,۴۷ درصد رسیده است که پایین‌ترین رقم در این دوره ۲۵ ساله است و تا سال آخرین آمار در دسترس یعنی سال ۲۰۱۶ به رقم ۷,۷۸ رسیده است که نشان دهنده اندکی افزایش در این زمینه است. در کل ترکیه در شاخص درصد تورم در سال‌های دهه‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، بهبود بسیار خوبی داشته است که نشانه عملکرد مثبت دولت در زمینه وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور در این دوره به ویژه از سال ۲۰۰۲ تا کنون تحت رهبری حزب عدالت و توسعه است که ثبات سیاسی را برای ترکیه به ارمغان آورده است.

۵-۵. افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه در جریان توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی



Source: World Bank (2019E), at: <https://www.google.com/publicdata>

نمودار ۵. جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه (۲۰۱۷-۱۹۹۰) به میلیارد دلار (نرخ جاری)

نمودار جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه این کشور در سال ۱۹۹۰، تنها ۶۴۸ میلیون دلار سرمایه خارجی را در خود جذب کرده است. اما این روند با تلاش دولت ترکیه در ادغام شدن در بازار اقتصاد جهانی در دوره‌ای که شتاب فزاینده جهانی شدن، در حال تقویت بود، به‌ویژه با سیاست‌های لیبرال تورگوت اوزال، آرام‌آرام به بار نشست و تا سال ۲۰۰۰ به نزدیکی یک میلیارد دلار رسید. اما در سال ۲۰۰۱، این روند یک جهش بزرگ دارد و به رقم ۳/۳۵۲ میلیارد دلار می‌رسد که به نظر تحت تأثیر سرمایه‌گذاری کشورهای عربی در این کشور بوده است که تمایل داشتند با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، درآمدهای خود را در کشوری با امنیت بیشتر سرمایه‌گذاری کنند. در نتیجه در سال ۲۰۰۲، این رقم به ۱/۰۸۲ میلیارد دلار کاهش می‌یابد و به رشد منطقی خود باز می‌گردد که تا سال ۲۰۰۵ نیز ادامه دارد. اما از سال ۲۰۰۵ با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و سیاست‌های اقتصادی موفق آن، به رقم ۱۰/۰۳۱ میلیارد دلار رسیده و تا سال ۲۰۰۷ به ۲۲/۰۴۷ میلیارد دلار افزایش می‌یابد. اما از سال ۲۰۰۸ تحت تأثیر بحران اقتصاد جهانی ابتدا در حدود ۲ میلیارد دلار و سپس به شدت با افت روبه‌رو می‌شود و با افت‌وخیز بسیار تا سال ۲۰۱۵ به رقم ۱۷/۵۵۰ میلیارد دلار می‌رسد، اما در سال ۲۰۱۶ تحت تأثیر افزون شدن دخالت ترکیه در سوریه و عراق به ۱۲/۳۰۳ میلیارد دلار کاهش می‌یابد و در سال ۲۰۱۷ با تیره شدن روابط ترکیه و آمریکا، این رقم به ۱۰/۹۰۴ رسیده است. در مجموع می‌توان گفت که ترکیه در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در میان کشورهای خاورمیانه جایگاه مناسبی را دارد و افزایش رقم این سرمایه‌گذاری در آن، تحت تأثیر نزدیک شدن به اروپا، ایجاد امنیت و دوری از ماجراجویی در سیاست خارجی بوده است، اما جدای از بحران اقتصادی بین‌المللی، کاهش این رقم با افزایش تمایل دولت به ماجراجویی در سیاست خارجی ارتباط داشته است، اما در کل ترکیه در تجربه خوبی را در ادغام شدن در اقتصاد جهانی داشته است.

نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه در فرضیه مقاله آمده بود که بیان می‌کرد، جمهوری ترکیه برای توسعه اقتصادی بر اساس تجربه موفق اصلاحات ساختاری اوزال، بر اساس نهادگرایی نئولیبرال



در دو بعد اصلاحات ساختاری و ثبات سیاسی در عرصه داخلی و همگرایی با نظام بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی در عرصه خارجی سیاست‌گذاری کرده که اثر آن بهبود چشمگیر شاخص‌های اصلی اقتصادی این کشور بوده است. در کل بر اساس مباحث مطروحه در این مقاله می‌توان به این نتیجه دست یافت در ترکیه میانه دهه ۱۹۸۰، فرصتی برای تکنوکرات‌ها در دولت اوزال به‌وجود آمد که آن‌ها بتوانند برای توسعه اقتصادی این کشور و برداشتن نخستین گام‌ها در ادغام اقتصاد آن در اقتصاد جهانی، دست به اصلاحات بزنند. اوزال که به عنوان یک چهره تکنوکرات، در یک سمت مهم اقتصادی دست به اصلاحات مالی و اقتصادی زد، توانست نشان داد که با اصلاحات ساختاری نهادی در اقتصاد و همگرایی با نظام بین‌الملل به‌عنوان گامی در جهت ادغام، می‌تواند موجب حرکت به سوی توسعه اقتصادی شود. این اصلاحات نیز در چارچوب سیاست‌گذاری بر اساس سیاست‌های نهادگرایی نئولیبرال انجام یافت.

این سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی اوزال در دو بعد داخلی و خارجی انجام شد، رویکردی سیاسی نیز داشت که به بهبود روابط ترکیه با قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان‌های اقتصادی و مالی جهانی می‌پرداخت. اگرچه اجرای این سیاست‌گذاری در ترکیه پس از به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان به رهبری اربکان، با کودتای ۱۹۹۷ ارتش متوقف شد و حتی موجب گردید اقتصاد ترکیه دوباره در بحران فرو رود، به طوری که با تورم ۱۲۰ درصدی روبه‌رو شود، اما پس از دوره‌ای کوتاه و در وزارت اقتصاد کمال درویش، دوباره ادامه یافت. اما این بار، این وزیر موفق اقتصاد، سیاست‌گذاری بلندمدتی را برای توسعه اقتصادی ترکیه پی ریخت. در این سیاست‌گذاری، اصلاحات ساختاری نهادی اقتصادی همچون کاهش نقدینگی، تثبیت نرخ ارز، تعدیل اقتصادی، اصلاح قوانین، باز کردن درها، توسعه صادرات و... دیده شده بود که در مجموع یک چشم‌انداز برای ترکیه ایجاد می‌کرد. در همین دوره بود که ترکیه بلکه برای پیوستن به اتحادیه اروپا دست به اصلاحات قانونی و اقتصادی وسیعی زد که در چارچوب اصلاحات اقتصادی و مالی درویش هم بود و موجب افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور شد، البته در این روند، همکاری ترکیه با سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی همچون سازمان تجارت جهانی و اجرای سیاست‌های

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز طی پیوست ترکیه به فرایند جهانی شدن اقتصاد بسیار مهم بوده است.

ترکیه سپس توانست در راستای اجرای این سیاست‌گذاری مالی و اقتصادی برای دست یافتن به توسعه اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی، یک شرط مهم سیاسی را نیز محقق کند و آن ایجاد ثبات سیاسی بود که پس از انتخابات سال ۲۰۰۲ که به روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه انجامید، به دست آمد. حزب عدالت و توسعه نیز از آن زمان تا حال که قدرت را در دست دارد، به ویژه از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۶، به اجرای سیاست‌های مالی و اقتصادی در چارچوب سیاست‌گذاری دوریش زده است و بنابراین توانسته اقتصاد ترکیه را هم با رشد روبه‌رو کند و هم آن را در اقتصاد جهانی ادغام نماید. بر این اساس همه این عوامل در کنار یکدیگر موجب شده تا به عنوان اثر این سیاست‌گذاری، شاخص‌های اقتصادی این کشور، همچون تولید ناخالص داخلی، درآمد ملی، درآمد سرانه، نرخ تورم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۷ بهبود چشمگیری یابد و ترکیه به طور موثری در راه توسعه اقتصادی گام بردارد. این روند چنان بوده است که بر اساس آمار بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی ترکیه از رقم ۳۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به رقم ۴۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲، به ۹۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ و به رقم ۱/۰۶۳۵ تریلیون دلار (نرخ دلار ثابت سال ۲۰۰۰) در سال ۲۰۱۷ رسیده است، به علاوه در سال ۲۰۱۷، سرانه درآمد ملی ترکیه بر اساس قدرت خرید دلار، به رقم بی‌سابقه ۲۷۵۵۰ دلار رسیده و همچنین میزان بالای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن نشان‌دهنده ادغام آن در اقتصاد جهانی است، به طوری که در سال ۲۰۱۸، گروه ۲۰ در این کشور اجلاس سالانه خود را تشکیل داد.

منابع

اتابکی، تورج (۱۳۸۷)، **تجدد آمرانه**، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، چاپ دوم، تهران: ققنوس.

استیون، آل. لمی (۱۳۹۲)، «نئورئالیسم و نئولیبرالیسم»، در: جان بلیس و استیو اسمیت، **جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین**، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی،



- تهران: نشر ابرار معاصر، چاپ سوم.
- امینی، آرمین و حسین‌خانی، الهام (۱۳۹۲)، «نقش ناتو در گسترش جامعه امن اروپای غربی»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره سوم، پاییز، صص ۲۱۲-۱۸۱.
- انصاری، جواد (۱۳۷۳)، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- اولوغ، ایگدمیر و دیگران (۱۳۴۸)، آتاتورک، ترجمه حمید نطقی، تهران: موسسه فرهنگی منطقه‌ای.
- بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۷)، «مقایسه توسعه سیاسی ایران و ترکیه»، مجله دنیای برتر، شماره ۱۶.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۹)، «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۵.
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۸۳)، تارنمای خبرگزاری ایرنا، ۳ اردیبهشت، در: <http://www.irna.ir>
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۴)، «اصلاح اقتصادی به سبک ترکیه»، تارنمای روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۴۵۲، شماره خبر ۸۷۱۰۶۱، ۱۹ فروردین، در: <https://www.donya-e-eqtasad.com>
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۶)، «چهار معمار اقتصادی آسیا»، تارنمای روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۰۶۷، شماره خبر ۱۱۰۴۳۰۳، ۲۲ خرداد، در: <https://www.donya-e-eqtasad.com>
- شبان، علیرضا (۱۳۹۰)، «تبیین تطبیقی توسعه سیاسی و اقتصادی ترکیه و مالزی بر اساس نظریه موج سوم دموکراسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۱)، نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها، تهران: آگه.
- عصر ایران (۱۳۹۴)، «سرنگونی جنگنده روسیه توسط ترکیه»، پایگاه تحلیلی خبری عصر ایران، کد خبر ۴۳۳۶۶۹، ۳ آذر، در:

<http://www.asriran.com/fa/news/433669>

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: نشر سمت، چاپ چهاردهم.

قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۷۹)، «تأثیر انقلاب اسلامی بر ترکیه»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هفتم، شماره ۴.

قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۴)، «اصلاحات اقتصادی در ترکیه و چالش‌های پیش‌رو»، در: کتاب آسیا؛ ویژه مسائل ترکیه، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

کیلی، ری و مافیلت، فیل (۱۳۹۱)، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورایی و بیدخت محمدعلی شیخ‌علیان، چاپ چهارم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

مرادیان، محسن (۱۳۸۳)، آشنایی با ترکیه، تهران: مرکز آموزش شهید صیاد شیرازی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، برآورد استراتژیک ترکیه، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۶۹)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نقدی‌نژاد، حسن (۱۳۸۷)، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.

واحدی، الیاس (۱۳۸۴)، کتاب آسیا؛ ویژه مسائل ترکیه، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

Grieco, Joseph M. and G. John Ikenberry (2003), *State Power and World Markets: The International Political Economy*, New York: W.W. Norton and AMP Co.

<http://www.euronews.com/2018/05/25/turkey-increase-the-interest-rate-3-points> (2018), 25 Nov

Korton, David (1999), *the Post Corporate World Life after Capitalism*, Sun Francisco: Berreti Koehler Publisher.

Long Term Strategy and Eight Five Year Development Plan of Turkey 2001-2023, (2001).

Soyzal, Momtaz (2004), "The Further of Turkish Foreign Policy", in: Leon G. Martin and Dimistic Keridi, ***the Further of Turkish Foreign Policy***, Cambridge: Mite Press.

World Bank (2019A), at:

<https://www.google.com/publicdata/explore?ds=d5bncppjof8f9>

World Bank (2019B), at:

<https://www.google.com/publicdata/explore?ds=d5bncppjof8f9>

World Bank (2019C), at:

<https://www.google.com/publicdata/explore?ds=d5bncppjof8f9>

World Bank (2019D), at:

<https://www.google.com/publicdata/explore?ds=d5bncppjof8f9>

World Bank (2019E), at:

<https://www.google.com/publicdata/explore?ds=d5bncppjof8f9>

۱۲۸



سیاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۲۷